



## باده افشانی بر خاک

وسایر آداب و رسوم که فرهنگ نجسته ایرانی آنرا پذیرفته است

(۳)

### مواد قربانی افشان:

۱- شراب تازه و تمیز که دست نخورده و بکر باشد. این شراب بادستگاه مخصوصی بنام آلژی ای<sup>۱</sup> از شیرترش بدست می آید. شرابی را که به نیت قربانی تهیه می کنند صاحب خانه یا شمن (کاهن) با ادعیه و اوراد و مراسمی خاص، اگر در خانه باشد، یا قاشق و اگر در صحرای باشد، بادسته ای علف یا شاخه درخت، بافتن ارواح پاک، بر زمین می افشاند.

۲- در اوایل بهار نخستین شیر تمیزی که از حیوانات ماده دوشیده می شود همانند آئین شراب به ارواح پاک نثار می شود.

۳- از پوست درخت آتش، بشکه چوبی یا از پوست اسب، مشک درست می کنند این مشک را صبا می نامند<sup>۲</sup>. جوتیمز و مرغوب را خیس کرده با آرد بوداده و با آب مخلوط کرده و مدتی در صبا نگهداری می کنند تا تخمیر شود. همینکه تخمیر شد، بسویله شمن

---

\* آقای فیروز منصوری یکی از پژوهشگران ارزشمند مسازن

گام) سرخم را باز کرده و مقداری از آن را به ارواح پاك نثار می‌کنند و این رسم افشان در مواقعی که ناخوشی‌ها در بین قبایل و اغنام بروز کند بیشتر اجرا می‌شود. پس از این مراسم از مایع تخمیر شده شراب (آبجو) درست می‌کنند و از این مشروب هم نخست‌بیا آداب ویژه سهم‌خدایان را بر زمین پاشند و سپس بقیه شراب را مردم می‌نوشند.

۴ - از آردجو بوداده و شیر، مخلوطی بنام (بولاماج) ترتیب داده و پس از جوشاندن، مقداری از آن را بافتخار ارواح مقدس بر زمین می‌افشانند و بعداً می‌خورند. برای تهیه صبا و بولاماج، جو مخصوص بکار برده و آنرا در صحرا نمی‌کارند بلکه برای محافظت از طیور و حیوانات و نظر ناپاك در جاهای مخصوص می‌کارند و از این محصول غیر از مراسم قربانی در سایر موارد استفاده نمی‌کنند.

۵ - در بعضی قبایل ساقه و خوشه‌های گندم و جو را به پای تصاویر ارواح پاك<sup>۳</sup> می‌افشانند که این هم نوعی قربانی است.

### مراسم افشان در اعیاد :

مغولان، در اول بهار، نهم‌ماه مه، جشنی برپا می‌کنند بنام اوروس سارا<sup>۴</sup> یعنی «گله‌ها به چرامیروند» جشن اول بهار، در بین قرقیزها و باشقردها و قزاق‌ها - کمیز مروندولك<sup>۵</sup> نامیده میشود. یا کوت‌ها این آئین را عیدماه و خورشید نامند و با مراسم شراب افشانی بمدت ۹ رور جشن گیرند و شادی می‌کنند. این آئین وسیله شمن‌ها، با اشتراك ۹ دختر و ۹ پسر معصوم انجام می‌شود. در جشن اول بهار، غیر از افشاندن شراب بخاك، مراسم دیگری هم که قربانی بی‌خون نامیده می‌شود انجام می‌پذیرد مانند: آویزان کردن پارچه‌ها به درختان و دف کاهن‌ها - خوراك دادن به بت‌های تصویر ارواح و چرب کردن دهن آنها، عطر افشاندن و شراب پاشیدن به آتش.

قربانی افشان و مراسم آن در بین تمام اقوام ترك مشترك و مرسوم است که تمیز ترین و عزیزترین محصول هر قوم بر رسم قربانی به زمین پاشیده میشود. در قبایله‌های چادر نشین و صحراگرد که دارای اغنام و احشام هستند شیر، قمیز، روغن<sup>۶</sup> بر زمین می‌افشانند. قبایله‌های کشاورز، گندم، ارزن، شراب و بازرگانان، سیم‌وزر، نقل و نبات و شکر افشان می‌کنند.

مغولان جشن دیگری هم در پائیز، ۲۸ اگوست، برپا می‌کنند و بخاطر اینکه جسم و جان و اموالشان از گزند ارواح شریر در آمان مانده است مراسم قربانی افشان را انجام میدهند.

## خدای آسمانها و قربانی رعد و برق

بنابه اعتقادشمن ها ارواح در سه مکان جا گرفته اند : زیر زمین ، روی زمین ، عرش اعلا . خدای زیر زمین ارلیک<sup>۷</sup> و خدای آسمان اولگن<sup>۸</sup> نام دارد . اولگن خدای خیر و برکت در بالای ماه و خورشید و ستاره ها قرار دارد و خالق مدوایر ، قوس و قزح و باران است و ضمن آفریدن مژگان و سر و ناف انسان و حیوان ، مرغزاران و چمن ها و هوای سالم را بد انسانها ارزانی داشته است . هر سه سال بافتخار اولگن بنام استکو<sup>۹</sup> یعنی روح آسمانی مراسم قربانی انجام میدهند و در اول هر بهار اولین شیر گوسنندان و اسبان را با بلنور مخلوط میکنند و بپای تصویر یاییق<sup>۱۰</sup> که واسطه بین اولگن و انسانهاست برسم قربانی نثار می کنند یاییق که تصویر او را بصورت بت زینت داده و در هر خانه نگاه میدارند معاونی دارد بنام سویلا<sup>۱۱</sup> که از ارواح آسمانی است و در مراسم قربانی بخاطر اولگن یاییق همکاری نموده سهم خدایان را با آسمان می برد . بافتخار سویلا دم شراب افشانی می کنند .

شمن ها اعتقاد دارند که رعد و برق خدای مخصوصی دارد و موقعی که ارواح پلید در روی زمین می گردند و قصد آزار مردم را دارند ، خدای آسمانها بمبارزه برخاسته و آتش خود را برای دفع شیاطین بزمین میفرستد از اینرو به خدای صاعقه ، دوغ و شیر نثار می کنند زنان اورنحا و قزاق و قرقیز ، در اول بهار موقعی که نخستین رعد و برق درخشیدن آغاز کرد ، در چادرهای خود ظرفهای پر از شیر و قمعیز را بافتخار خدای رعد و برق برسم قربانی بزمین می افشانند<sup>۱۲</sup> باشقردها هم ، بافتخار خدای آسمانها قربانی خون دار کشته و عقیده دارند که سویلا قربانی آنان را با آسمانها می برد . در موقع رعد و برق بافتخار سویلا شراب بزمین می افشانند .

## خدای زیر زمین و موضوع مرگ و زندگی

آلتائی ها ، معتقدند که ارواح شریزیر زمینی آفت و مرض بوجود آورد و برای ارلیک ، خدای زیر زمین ، قربانی طلب می کنند . اگر اجابت نشود بد محصولات ضرر رسانیده و جان انسانها را گرفته بزیر خاک میبرند . انسانها بمقابله برخاسته حیوانات ضعیف و لاغر و بیمار را بدانها قربانی می کنند . هر آلتائی هفت جد خود را باید بداند و این هفت جد وابسته به روح یک شمن میشوند که در خانواده آنان حاضر و ناظر میباشد . باعتقاد آلتائی هاسه یا هفت روز پس از مرگ ، هر متوفی به زیارت اقربا آمده و در روی زمین از طریق تناسخ به روح پاک تبدیل می شود . پس از مرگ شمن (کاهن) هر خانواده تصویر متوفی را که جالو<sup>۱۳</sup> نامیده میشود آماده کرده و در محل مناسبی آویزان می کند که بمنزله روح

قائم اولتقی میشود . در موقع نصب تصویر جالو، شمن با اوراد و ادعیه مخصوص ، در مقابل تصویر ، شراب تمیز بر زمین می افشاند .

هر آلتائی برای مبارزه با مرگ و بشکرانه سلامت وجود خود و خانواده اش به ارواح مقدس مخصوصاً اولگن و پسرانش احترام قائل میشود و شکرانه میدهد . در اوایل بهار ، به تصاویر ارواح پاك ، شراب نثار می کنند و همراه شراب پاشی دعا های مخصوصی میخوانند و در هر مصرع دعا چوك ۱۴ میگویند که بمعنای آمین زبانهای سامی میباشد .

### مانده دارد

#### ۱- algiy

۲- مولف مهمان نامه بخارادر وصف قمیز از صبا یاد کرده و چنین می نویسد :

«در صبا چومستقر یابد لذت و مایه دگر یابد»

۳- Kormös ۴- örüs sara ۵- Kimiz Müründük

۶- همین روغن برخاک افشاندن یکی از مواردی است که با موضوع مقاله مناسبت پیدا می کند بدین معنی که در فرهنگ دادب دسنن ایرانی این رسم مطرود بود . و آنرا کاری بیهوده و ناشایست دانسته اند . علامه فقید دهنخدا در امثال وحکم (روغن بریک ریختن) را اینگونه وصف می کند: «کاری عبث و بیهوده کردن» تمثل:

از این نصیحت بیهوده ای فقیه ترا چه حاصل است که روغن بریک میریزی

نزاری

بسکه ما در دیک روغن ریختیم بس گهر در حلق خوک آویختیم

عطار

۷- Erlik ۸- ülgen ۹- üstügü ۱۰- Yayik

۱۱- Süyla

۱۲- اورنحا همان قوم اوریا یکیت است.

۱۳- Callü ۱۴- Cok

در سطر ۸ زیر صفحه ۹۱۹ سال چهارم، مقاله شهرمرو، در شعر برکنی غلط و برگری صحیح است بدین صورت:  
ور زعراق وقت تو عزم غزای غز کنی از سر چار شهر دین شحنة کفر برگری